

اهمیت تعلیم اطفال در اسلام

قسمت اول:

فضلی

خواجه فضل من الله

إِنَّ الْحَمْدَ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ، وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أُنْفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا، مَنْ يَهْدِهِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ، وَ مَنْ يَضَلِّ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ. وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ.

شکی نیست که وظیفه مربی بسیار بزرگ است و اگر آن را خالصانه و به بهترین وجه در راه خدا انجام دهد و دانش آموزان را بر اساس تربیت اسلامی تربیت کند، وظیفه او یکی از ارزشمندترین کارها خواهد بود.

لفظ مربی، شامل مدرسان، معلمان، پدران، مادران و تمام کسانی خواهد بود که عهده‌دار پرورش و سرپرستی فرزندان هستند. بنابراین، مدرس، پرورش دهنده نسل‌ها است و صلاح و فساد جامعه به او بستگی دارد، و هر گاه وظیفه خود را در امر آموزش با اخلاص انجام دهد و شاگردانش را به راه دین و اخلاق و تربیت نیک راهنمایی کند، هم او هم دانش‌آموزان، در دنیا و آخرت، خوشبخت خواهند بود پیامبر ﷺ به پسر عمویش علی رضی الله عنه فرمودند: (فَوَاللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ بَكَ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنْ حَمْرِ النَّعَمِ) «^۱» «متفق علیه» «به خدا سوگند! اگر خداوند یک نفر را به وسیله تو هدایت کند برای تو بهتر از شتران گرانبها و ارزشمند است.»

همچنین، پیامبر ﷺ فرموده‌اند: (مَعْلَمُ الْخَيْرِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ، حَتَّى الْحَيْتَانِ فِي الْبَحْرِ) «صحیح رواه الطبرانی و غیره»

«کسی که خیر و نیکی را به دیگران می‌آموزد همه چیز حتی ماهی‌های دریا برای او طلب‌آمزش می‌کنند.»

اما اگر معلم در ادای وظیفه‌اش سهل‌انگاری کند و شاگردانش را به سوی انحراف، ایدئولوژی‌های ویرانگر و رفتار زشت سوق دهد، هم او و هم شاگردانش دچار بدبختی می‌شوند و روز قیامت در حالی که بار سنگین گناه را بر دوش می‌کشد در دادگاه قیامت مورد محاسبه قرار می‌گیرد؛ زیرا پیامبر ﷺ می‌فرمایند: (كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ) «متفق علیه» «همه شما مسؤولیت دارید و در قبال زیر دستانتان بازخواست می‌شوید.»

معلم در مدرسه مسؤول است و در قبال دانش‌آموزان باید پاسخگو باشد.

ای مربی، ای معلم، قبل از هر چیز باید خودت را اصلاح کنی. هر کاری که تو انجام می‌دهی در نظر شاگردانت زیبا و پسندیده است؛ و از انجام هر کاری که خودداری کنی در نظر آنان زشت و ناپسند است. و رفتار نیک مربی، معلم و پدر و مادر بهترین روش تربیت برای فرزندان است.

این موضوع را در امر آموزش به نگارش در آوردم تا خواهران و برادران معلم در کار تعلیم و تربیت از آن سود برده و به این نکته پی ببرند که چگونه معلم موفق شوند.

از خداوند متعال می‌خواهم که این بحثی را که پیشکش خواننده‌های عزیز مینمایم منشأ خیر برای خودم و خشنودی خود قرار بدهد.

اولویت‌های یک معلم مسلمان در قبال دانش‌آموزان:

یکی از اهداف تعلیم و تربیت، به وجود آوردن شخصیتی ایده‌آل و نمونه است. این شخصیت باید با پروردگارش در ارتباط باشد، برنامه‌ی زندگی‌اش را از او بگیرد، برای اصلاح جامعه‌اش اقدام نماید و مفاهیم حاکم بر جامعه را بر بنیان مستحکم و راست بنا نهد. این است رسالت معلم و هدف از تعلیم و تربیت.

روشن است که تربیت بر پایه‌هایی استوار است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت‌اند. اگر پایه‌های تربیت در جوامع کمونیستی، بر اساس مادیات، نفی معنویات و قطع رابطه‌ی دانش‌آموز با پروردگارش استوار است؛ و اگر ارکان تربیت در جوامع غربی، بر پایه سودجویی و بهره‌کشی، خودخواهی و بی‌بند و باری شکل گرفته است، بدون تردید پایه‌های تربیت در جوامع اسلامی بر اساس ایجاد عقیده سالم، احساسات و عواطف پاک و اخلاق والا استوار است که در رابطه‌ی دانش‌آموز با پروردگار، معلم، هم‌صنفیان، مدیر مدرسه و خانواده‌اش نمود پیدا می‌کند.

اگر ما بخواهیم این رنگ و بو را زندگی ببخشیم، بر ما لازم است که برای پرورش مربیان موفق، در زمینه تعلیم و تربیت اقدام نماییم.

این مربی باید حایز شرایط لازم باشد، تا بتواند نقش یک معلم و مربی شایسته و مفید را ایفا کند.

خصوصیات معلم موفق در امر تعلیم و تربیت:

۱- مربی موفق باید در زمینه شغلی خود ماهر باشد؛ در روش‌های آموزشی دست به ابتکار و نوآوری بزند؛ تمام تلاش خویش را برای تربیت شایسته شاگردانش به کار گیرد؛ اطلاعات سودمند در اختیار آنان قرار دهد؛ ادب و اخلاق برجسته را به آنان بیاموزد و برای دور کردن آنان از عادت‌های زشت و ناپسند تلاش نماید. بنابراین، او در آن واحد هم مربی است هم معلم.

۲- خالصانه، واجبات و تکالیفی را که پروردگار بر دوشش نهاده است، انجام دهد و برای امت اسلامی و شاگردانش، با گفتار و کردار و رفتار، الگوی خوبی باشد. آنچه را که برای خود و فرزندان دوست می‌دارد، برای شاگردانش نیز، دوست بدارد و از اشتباهات آنان درگذرد، و هر گاه کسی را مورد کیفر قرار داد، در اوج مهربانی و دلسوزی او را مجازات کند. رسول خدا می‌فرماید: (لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّىٰ يَحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يَحِبُّ لِنَفْسِهِ) «متفق علیه»

«هیچ یک از شما ایمان ندارد مگر، آنچه برای خود دوست دارد برای برادرش نیز، دوست بدارد.»

۳- یکی از خصوصیات معلم موفق این است که به علم و اخلاقی که به دانش‌آموزان می‌آموزد، عمل کند و گفتار و کردارش متعارض نباشند و این فرموده ی خداوند را با گوش جان بشنود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْمَلُونَ﴾^{الصف: ۲-۳}

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و خود، آن را انجام ندهید.»

در این فرموده ی خداوند، کسانی که سخنی را می‌گویند اما به آن عمل نمی‌کنند، مورد سرزنش قرار گرفته‌اند. رسول خدا می‌فرماید: (اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ) «رواه مسلم»

«خدایا، پناه می‌برم به تو از [شراً] دانشی که نفعی [به آدمی] نمی‌رساند.»

۳- معلم باید بداند که وظیفه ی او شبیه به وظیفه ی پیامبرانی است که خداوند آنان را برای هدایت و آموزش بشر فرستاده است تا پروردگار و خالق خویش را بشناسند، او در ابراز محبت و دلسوزی نسبت به شاگردان باید نقش پدر را ایفا کند. همچنین، او در قبال حضور و غیاب دانش‌آموزان و توجه به درس‌هایشان مسؤول است. او باید دانش‌آموزان را در حل مشکلات و سایر مواردی که به او مربوط می‌شود، یاری رساند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: (كَلِمَةٌ رَاعٍ وَ كَلِمَةٌ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ) «متفق علیه» «همه شما مسؤول هستید و در قبال زیر دستانتان بازخواست می‌شوید.»

۴- معلم باید متوجه باشد که در حضور خداوند مورد سوال و جواب قرار می‌گیرد که چه چیزی را به شاگردان آموخته است؟ آیا خالصانه در صدد پیدا کردن راه‌هایی برآمده است تا ارشاد و راهنمایی درست آنها را میسر سازد؟ پیامبر ﷺ می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ سَائِلٌ كُلَّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرَاعَهُ، أَحْفَظَ ذَلِكَ أَمْ ضَيَّعَهُ؟ حَتَّىٰ يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنْ أَهْلِ بَيْتِهِ) «حسن رواه النسائي عن انس»

«خداوند هر کسی را که بر دیگران سرپرست کرده است مورد محاسبه قرار می‌دهد؛ آیا آن را حفظ کرده یا ضایع نموده است؟ تا جایی که، مرد در باره ی خانواده‌اش مورد بازپرس قرار می‌گیرد.»

علاوه بر این، بر او لازم است که به گونه‌ای با آنان سخن بگوید که سخنانش را بفهمند و با هر دانش‌آموز به اندازه درک و فهم وی سخن بگوید. علی ﷺ می‌فرماید: (حَدَّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، أَلْتَحُونَ أَنْ يَكْذِبَ اللَّهُ وَ رَسُولَهُ؟) «۲»

«با زبانی با مردم سخن بگویید که می‌فهمند، آیا دوست دارید خدا و رسولش تکذیب شوند؟»

بدون تردید معلم، بنابر موقعیت شغلی‌اش در میان دانش‌آموزانی به سر می‌برد که سطح اخلاق، تربیت و هوش آنها باهم متفاوت است، از این رو، باید به گونه‌ای عمل کند که همه آنها را مدنظر داشته باشد، و در برخورد با آنان دلسوز باشد و به فرموده ی مربی بزرگ، پیامبر ﷺ عمل کند که می‌فرماید: (إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ أَعْلَمُكُمْ) «صحیح رواه احمد و ابوداود»

«همانا من برای شما به منزله پدر هستم و شما را آموزش می‌دهم.»

۵- معلم موفق، باید با سایر همکارانش تعاون و همکاری و قصد خیرخواهی داشته باشد و برای تأمین مصلحت دانش‌آموزان با همکارانش به مشورت و تبادل نظر بپردازد تا الگوی خوبی برای شاگردانش باشد. از سوی دیگر، همه معلمان باید رسول خدا را الگوی خود بدانند؛ زیرا خداوند در این باره، می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

الأحزاب: ۲۱

«قطعاً برای شما در اقتدا به رسول خدا» سرمشق نیکوست.»

۶- معلم موفق کسی است که از نظر علمی، تواضع داشته باشد. اعتراف به حق و حقیقت یک فضیلت به شمار می‌آید، پس حق را باید پذیرفت تا همواره در اشتباهات به سر نبرد و بر آن اصرار نرزد. معلم در حق جویی و اعتراف به آن، باید به سلف صالح تأسی کند؛ زیرا آنان هر گاه متوجه می‌شدند که حقیقت چیزی بر خلاف اعتقاد و نظرانشان است، آن را می‌پذیرفتند. برای اثبات،

این مدعا را می‌توان به گفتار «ابن اُبی حاتم» در کتاب «مقدمه جرح و تعدیل» استناد کرد؛ آنجا که به ذکر داستان مالک رضی الله عنه و منصرف شدن وی از فتوایش پس از شنیدن حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله می‌پردازد. وی این مسأله را این گونه، آورده است:

[باب مربوط به پیروی مالک از پیامبر صلی الله علیه و آله و منصرف شدن از فتوایش، هنگامی که حدیثی برخلاف نظرش برای او از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کردند]

«ابن وهب می‌گوید: شنیدیم که درباره‌ی خلال کردن انگشتان پا از مالک سؤال کردند و او در پاسخ گفت: این کار، سنت نیست. ابن وهب می‌افزاید: من چیزی نگفتم تا این که مردم، او را تنها گذاشتند، آنگاه به وی گفتم: به اعتقاد ما این کار، سنت است و دلیل هم داریم. گفت: دلیلتان چیست؟ گفتم: لیث بن عسد و ابن لهیعه و عمرو بن حارث از یزید بن عمرو معافری از عبدالرحمن حبلی از مستورد بن شداد قرشی روایت کرده‌اند که گفت: «من رسول خدا را دیدم که با انگشت کوچک انگشتان پاهایش را خلال می‌کرد.» آنگاه مالک گفت: این حدیث، حسن است و من تا این لحظه آن را نشنیده بودم. ابن وهب می‌گوید: بعد از این واقعه، هنگامی که مالک در باره این موضوع، مورد سؤال قرار می‌گرفت، به خلال کردن انگشتان پا توصیه می‌نمود.»^۳

اگر ما بخواهیم تحقیق جامعی در باره نمونه‌هایی از زندگی سلف صالح به عمل آوریم، این کتاب مختصر، گنجایش آن را ندارد، لذا معلمی که می‌خواهد در انجام وظیفه‌اش موفق باشد، باید حق و حقیقت را گردن نهد و اگر دچار اشتباه شد به آن اعتراف کند و این خلق و خوی بزرگ را به شاگردانش نیز، بیاموزد و ارزش و اهمیت تواضع و پذیرش حق را برایشان بیان کند. او باید این کار را عملاً در کلاس درس انجام دهد، و هر گاه پاسخ برخی از دانش‌آموزان را به سؤالات، بهتر از پاسخ خود دید، آن را اعلام کند و به برتری پاسخ فلان دانش‌آموز اعتراف نماید؛ زیرا این کار باعث می‌شود اطمینان و اعتماد دانش‌آموزان را جلب کند و شاگردانش او را دوست بدارند.

نزدیک به چهل سال است که در سمت معلم و مربی ایفای نقش می‌کنم؛ هیچگاه آن معلمی را که در خواندن یک حدیث دچار اشتباه شد، از یاد نمی‌برم؛ آنگاه که یکی از دانش‌آموزان اشتباهش را به وی گوشزد کرد؛ ایشان بر اشتباه خویش اصرار ورزیدند و به ناحق شروع به مجادله کردند. سرانجام، این معلم از چشم دانش‌آموزان افتاد و دیگر به او اعتماد نداشتند.

همچنین، معلمان راستگو را فراموش نمی‌کنم که به اشتباهات خود اعتراف می‌نمودند و آن را می‌پذیرفتند. به همین خاطر دانش‌آموزان، آنان را دوست داشتند و اعتماد و اطمینانشان به آنها بیشتر شد و مورد تحسین و تمجید قرار گرفتند.

چه خوب بود اگر همه معلمان در مسیر این معلمان راستگو حرکت می‌نمودند و در پذیرش حقیقت، راه آنان را دنبال می‌کردند.

۷- معلم موفق کسی است که صداقت و وفا به عهد داشته باشد. وی باید در گفتارش صادق باشد، زیرا صداقت در همه حال منشأ خیر و برکت است.

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: (و ما یزال الرجل یرصدق و یتحرى الصدق حتى یکتب عند الله کذاباً) «متفق علیه»

«آدمی پیوسته راست می‌گوید و خواهان راستی است تا این که نزد خداوند، راستگو ثبت می‌شود، و هستند کسانی که پیوسته دروغ می‌گویند و دنبال دروغ می‌روند تا این که نزد خداوند، دروغگو ثبت می‌شوند.»

بنابر این، صداقت و راستگویی، خلق و خویی بزرگ است و شایسته است که معلم، نهال آن را در درون دانش‌آموزان بکارد و با عادت دادنشان بر راستگویی، این صفت ارزشمند را در نظرشان محبوب و دوست‌داشتنی جلوه دهد و حتی در شوخی کردن با آنان نیز، صداقت پیشه کند؛ زیرا رسول خدا شوخی می‌کردند؛ اما جز حق بر زبان نمی‌آوردند. معلم حتی به قصد شوخی هم نباید به دانش‌آموزان دروغ بگوید. اگر به آنان وعده‌ای داد باید به آن پابند باشد تا راستگویی و وفای به عهد را از گفتار و کردار وی بیاموزند؛ زیرا دانش‌آموزان، سخنان دروغ را تشخیص می‌دهند، گرچه به خاطر شرم از معلم نمی‌توانند پاسخ او را بدهند.

یکی از ویژگی‌های معلم موفق، صبر و استقامت است. معلم در رویارویی با مشکلات دانش‌آموزان و مسایل آموزشی باید صبور باشد، زیرا صبر و پایداری، بزرگ‌ترین یار و یاور او در شغل شریف معلمی است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَسْبِرُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ البقرة: ۴۵

«و از شکیبایی و نماز یاری جویند.»

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز، می‌فرماید: (المؤمن الذی یخالط الناس و یصبر علی أذاهم خیرٌ من المؤمن الذی لا یخالط الناس و لا یصبر علی أذاهم) «صحیح رواه احمد»

«مؤمنی که با مردم معاشرت و نشست و برخاست دارد و آزار و اذیت آنها را تحمل می‌کند، بهتر از مؤمنی است که با مردم نشست و برخاست ندارد و آزار و اذیتشان را تحمل نمی‌کند.»

وظیفه معلم:

وظیفه معلّم، این نیست که در ذهن دانش آموزان اطلاعات را جابجا نماید، بلکه باید عقاید و رفتار دانش آموزان را از آنچه، مخالف دین مبین اسلام است، پاکسازی نماید. معلّم موفق باید در کلاس، دانش آموزان را از نظر گفتار و رفتار بر اساس هدایت صحیح نبوی تربیت کند، زیرا خداوند متعال می فرماید: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ آل عمران: ۳۱

« بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد و گناهان شما را ببخشد.»

سیره پیامبر ﷺ بیانگر این مطلب است که وی یک مربی کاردان، یک معلّم و راهنمای دلسوز، مهربان، دوست داشتنی و مخلص بود.

پس، معلّم باید خود را به این اوصاف، به ویژه صفت اخلاص بیاراید و در کارش اخلاص پیشه کند و به مال و ثروت چشم ندوزد. اگر پول اندکی به او دادند، خدا را شکر گوید؛ اگر هم چیزی به او ندادند، صبر و استقامت کند؛ زیرا خداوند متعال او را در دنیا روزی خواهد داد و پاداش و اجر آخری را برای او منظور خواهد کرد. ادامه دارد...

مآخذ:

- ۱- در این جا منظور از «حمر النعم» شتران گرانهایی است که در گذشته بهترین سرمایه مردم عربستان تلقی می شدند. در عصر کنونی، ماشین های آخرین مدل جایگزین آنها شده اند.
- ۲- بخاری آن را در مبحث «علم» آورده است؛ باب کسی که دانش را در اختیار قومی قرار می دهد و قوم دیگر را از آن محروم کند.
- ۳- ر.ک: مقدمه «الجرح و التعديل»، ص ۳۰.